

## مهاتما گاندی

(۱۸۶۹ - ۱۹۴۸ میلادی)

مهندس کرمچند گاندی در دوّم اکتبر ۱۸۶۹ در شهر کوچک 'پور بندر' واقع در نواحی غربی هندوستان با برص و وجود گذاشته، پانزده ساله بود که پدرش بسرای دیگر شتافت و مادرش تربیت ویرا بعهده گرفت. معلم و مرتبی روحانی گاندی یک نفر از طرفداران فرقه جین بود. این فرقه معتقدند که انسان باید پاکی و طهارت را در کلیه شؤون و مظاهر زندگی نصب العین خود قرار دهد و نمونه بارز همیشه ۳۱ باشد باین معنی که زیر بار تعدی و اجحاف نرود. گاندی نیز در تمام مراحل زندگی هیچوقت از این خط مشی تخطی ننمود.

**۳۱ سالگی در جنوب** گاندی در نوزده سالگی بلندن رفت و در آنجا تحصیلات  
**افریقا** خود را در رشته حقوق ادامه داد و پس از فراغ از  
تحصیل در ۱۸۹۲ بمبئی مراجعت نمود و رسماً بوکالت دعاوی پرداخت.

گاندی در سال ۱۸۹۶ برای انجام محاکمه یکی از متوکلین خود عازم ترانسوال شد و همین مسافرت بود که بکلی مشی زندگانی او را تغییر داد و او را بمرحله جدیدی وارد ساخت باین معنی که چون اوضاع ناگوار اجتماعی و سیاسی هموطنان خود را در جنوب افریقا مشاهده کرد تصمیم گرفت که در آنجا راجل اقامت افکنده براهنمائی ایشان اشتغال جوید، طولی نکشید که مقام پیشوائی و رهبری آنان را احراز کرد.

۱- ترجمه آقای حسین سعادت نوری از قسمت هفتگی منچستر گاردین - Manchester

Guardian - ۲ Jain - ۳ Ahimsa

در همین اننا افکار و عقاید فلسفی و مذهبی فکر ویرا مشغول ساخت و در ضمن مطالعه آثار تولستوی با او نیز شروع بمکاتبه نمود و در نتیجه با جمعی از طرفداران خویش بی پیرایگی تام را شعار خود قرار داد چنانکه در کفّ نفس و امساک از لذات زندگانی افراط نمود و در طهارت و تقوی منہمک شد. گاندی تا پایان عمر از متابعین مذهب هندو بود و همواره اظهار میکرد که هر گاه معتقدات طبقه پاریا یعنی «نجسها» جزء آیین هندوها بود هیچگاه وی باین آیین نمیگروید ولی در عین حال مساعی وافر و بکار میبرد که از نفرت هندوها نسبت پاریاها بکاهد.

گاندی در جنوب افریقا برای پیشرفت مرام خود یعنی رفع مذلت و خواری هندوها مبارزه میکرد و بر اثر همین اقدامات سه بار بزندان افتاد ولی بتدریج هندوها در نتیجه پیروی از دستورهای پیشوای خود همان مرتبه‌ای را که اروپائیا در اجتماع حائز بودند بدست آوردند و در ژوئیه ۱۹۱۴ پیروزی نهائی نصیب آنان گردید و قرارداد معروف به پیمان گاندی و اسموتس ۱ با مضار رسید.

پس از وقوع جنگ بین المللی اول گاندی بانگلستان رفت تا در آنجا از هندو-های مقیم بریطانیا اردوئی بعنوان بیمارستان سیارتشکیل دهد چه او در این کار سابقه داشت و در قشونکشیهای زولو ۲ و جنگهای بور ۳ بهمین کار مبادرت کرده بود. در انگلستان قبل از اینکه خیال وی لباس عمل پیوشد بقسمی مرض بروی استیلا یافت که اطبای معالاج حرکت فوری او را بهندوستان لازم شمردند. گاندی لاعلاج بوطن خود باز گشته بوضع ناسکین مذهبی و بروش تولستوی در نزدیکی احمدآباد منزوی گردید و در آنجا پیاس خدمات نوع پرورانه او در جنوب افریقا بدریافت مدال طلای «قیصر هند» از طرف نایب السلطنه هندوستان نایل آمد و بتدریج بر اثر استقبال و توجه عامه بعنوان «مہاتما» که معنی تحت اللفظی آن «روح بزرگ» است معروف شد.

عدم همکاری وقوع يك سلسله حوادث در پايان جنگ بين المللی اول گاندى را ناگزير بازبمبارزه سياسی و ادار نمود ، از آن جمله بود اوضاع حزن انگيز پنجاب و امریتسار و حادثه‌ای که در تاريخ هندوستان بخیانت هندبهای مسلمان معروف شده است .

گاندى در سپتامبر ۱۹۲۰ نهضت «عدم همکاری» را بوجود آورد ولی آنطور که از پیروان خود انتظار داشت تا بمظالم و تعدیات حکومت خود تن در ندهند نظر او بموقع اجرا گذارده نشد و درکنگره هند برضد نفوذ و اقتدار او نطقهایی ایراد گردید ، دولت نیز با استفاده از موقع نفوذ سياسی او را برانداخت و سعی کرد که او را از صحنه سیاست دور کند بهمین جهت گاندى جلب و بنام اقدام برضد امنیت و آرامش عمومی بشش سال حبس محکوم شد .

گاندى بعد از چندى که بارديگر قدم در صحنه سياست نهاد خود را در محیطی وراى محیط سابق دید و بدین لحاظ رهبری مبارزات سياسی را به داس ۱ و نهرو ۲ وا گذاشت و خود در گوشه انزوا خزیده با چرخ دستی بنخ ريسی اشتغال جست ضمناً اوقات خود را بتبیه و تنظيم مقالات جهت روزنامه هفتگی خود سپری میکرد . در این اوان از لحاظ اینکه علاقه زیادی برای احراز مقام پیشوائی مطلق بخرج نمیداد تفوق اخلاقی و روحانیت او مورد گواهی دوست و دشمن حتی حریفان سياسی وی واقع شد . در موقع انعقاد «کمیسیون سیمون ۳» چون رهبران قدیمی کنگره مشاهده کردند که عده‌ای از جوانان خیال احراز مقام رهبری انقلاب را دارند ناگزیر مجدداً گاندى را بریاست و راهنمائی خود دعوت نمودند .

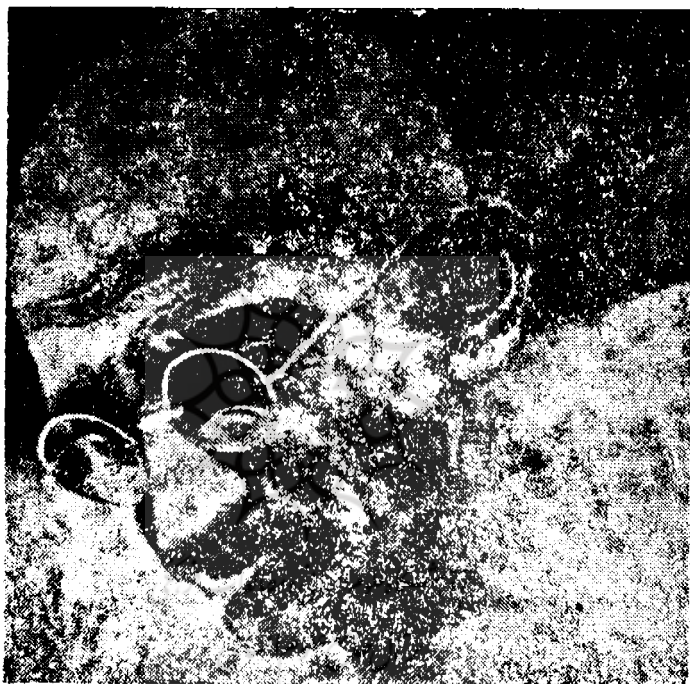
چون تقاضا هائی که در این موقع گاندى از دولت هندوستان نمود از حدود وعده های لرد ایروین ۴ و تمهدات رمزى کدانلده در کنفرانس میز گرد تجاوز میکرد

لذا دولت که در سنه ۱۹۳۰ مشارالیه را بجرم تحریک عامه و اخلال نظم و آرامش مملکت مجدداً بزندان انداخت .

بعد از این مقدمه مذاکرات تاریخی که معروف جهان است بین لرد ایروین و گاندی شروع شد و پیشوای هند در چهارم مارس ۱۹۳۱ تعهد کرد که توافق نظر اعضای کنگره را برای شرکت در دو مین کنفرانس میزگرد جلب نماید ولی طولی نکشید که معلوم شد که نظر گاندی نسبت بحل قضایای مختلف فیها با نظر مسلمین و امرای هندوستان و دولت بریتانیا متفاوت است لذا تنها راه حل بعقیده او این بود که خود را کنار کشیده نسبت بقضایا بیطرف بماند . پس از پایان کنفرانس چون مشارالیه بهندوستان مراجعت کرد و عقیده خود را صریح و آشکار نمیکفت و از طرفی دیگر لرد ویلینگدی ۱ که بجای لرد ایروین بنیابت سلطنت هندوستان منصوب شده بود برای مذاکره بمنظور تأمین آرامش هند حاضر نمیشد پیش آمد بحبس گاندی و روزه گرفتن های متوالی او منجر گردید . در این گیر و دار جمعی از هندو های علاقمند بسیاست کرد جواهر لعل نهرو جمع شده ویرا پیشوائی خود برگزیدند ، گاندی هم ایشان را بحال خود وا گذاشت و بمراکز «نجسها» رهسپار شد .

در این ایام اینطور بنظر می آمد که نفوذ سیاسی گاندی رو بکاهش نهاده است کنگره هم بیشتر اوقات خود را بیحس در قانون اساسی میکنند . آزادینخواهان هند چون دیدند که از اجرای سیاست «نا فرمانی کشوری» نتیجه ای بدست نیامده با نظر کنگره نسبت بقبول قانون اساسی جدید موافقت نمودند . گاندی چون با این عقیده موافق بود علی رغم انتظار اشخاص باز نفوذ و وجه سابق را بدست آورد و موقیعت های شایانی نصیب او شد ، در آوریل ۱۹۳۴ باختیار خود دستور داد که «نا فرمانی کشوری» لغو شود و بدینواسطه حکومت هند نیز کنگره را مرکز قانونی کشور هند شناخت .

نظر گاندی نسبت به جنگ پس از وقوع جنگ در سال ۱۹۳۹ گاندی متنفذ ترین افراد هندوستان بود و عامه اهالی او را یگانه قائد و پیشوای خود میدانستند. خط مشی و روش گاندی را در خلال جنگ باشکال میتوان در ضمن این سطور توضیح داد زیرا که او نه با آن منظوری که بریتانیا برای خاطر آن دست بجدال زده بود مخالفت داشت نه از صلح و آرامش بیزار بود. جنگ برای هر منظوری بنظر گاندی کار



مهااتما گاندی

پسندیده نمی آمد، در عین حال عقیده داشت که سر فرود آوردن در مقابل متجاوز و شرور نیز کار ناشایسته ایست، وی میگفت که در مقابل آلمان و ژاپن باید دست بمقاومت زد یعنی همان روشی را که خود او در مبارزه با دولت بریتانیا اتخاذ نموده بود پیش گرفت. گاندی در اتنای جنگ کاری نمیکرد که عملیات دولت انگلیس در راه

فتح و پیروزی خنثی بماندچه تفوق بریتانیا را در جنگ برای حفظ استقلال هند ضروری میدانست و معتقد بود که در غیر این صورت خطر آلمان و ژاپون برای آزادی هندوستان که منظور نهایی وی بود بیش از خطر انگلیس است.

بحرانی ترین دوره مناسبات و روابط گانندی و دولت بریتانیا در بهار ۱۹۴۲ بود موقعی که سر استافورد کریس ۱ بهندوستان عزیمت نموده و باهالی این کشور وعده داده بود که بلافاصله بعد از خاتمه جنگ یا هندوستان در ردیف سایر دمیونهای امپراطوری قرار خواهد گرفت یا حکومت نیمه مستقلی با حق اعلان استقلال بآن کشور عطا خواهد شد. سر استافورد کریس از سران هندو دعوت کرد که یک هیئت عامله انتخاب نمایند مشروط بر اینکه کلیه اقدامات هندوستان در راه پیروزی تحت نظر کامل دولت بریتانیا انجام بگیرد. کنگره با اشاره گانندی این پیشنهاد ها را رد و برای تحصیل استقلال تام اصرار کرد و ضمناً طرحی بتصویب رسانید که اگر بیدرنک حکومت موقتی تشکیل نیابد و دولت انگلیس از نظارت اوضاع صرف نظر ننماید کنگره در سر تا سر کشور دستور اجرای «نافرمانی» را برهبری گانندی صادر خواهد کرد و باولییای دولت انگلستان خاطر نشان ساختند که بلا تأمل با پیشنهاد گانندی موافقت نماید و هندوستان را بحال خود واگذارند تا خدا آرامش آنرا حفظ کند و اگر هم مقدر باشد هرج و مرج بر آنجا حکمفرما خواهد شد.

حکومت هندوستان ناگزیر در مقابل این اقدامات در ۲۷ آوریل صورت طرحی را که گانندی پیش خود تنظیم و بموجب آن هندوستان تصمیم گرفته بود که پس از نیل با استقلال تام با ژاپون برای عقد پیمان صلح وارد مذاکره شود منتشر ساخت.

انتشار این خبر در افکار عامه چنان تأثیر کرد که در موقع طرح موضوع

در ماه اوت در کنگره گاندی اجباراً قسمتی از مطالب مندرج در آن طرح را تکذیب نمود ولی با این وصف چند ساعت پس از ختم جلسه دستگیر و محبوس شد .  
در آوریل ۱۹۴۵ که توقیف گاندی پایان پذیرفت ۷۶ سال از سنین عمر او میگذشت ولی نفوذ و محبوبیت او در سر کشور کمائی السابق بحد اعلی بود .  
گاندی اداره امور سیاسی را بعده پاتل و نهرو وا گذاشت و خود را ظاهراً بکنار کشید .

پس از سقوط کابینه چرچیل و تشکیل حکومت کارگری دولت بریتانیا صریحاً اعلام کرد که تصمیم دارد استقلال تام به هندوستان بدهد ولی يك مسئله اساسی مورد مطالعه واقع شد و آن این بود آیا در تمام هندوستان باید يك حکومت واحد مستقل تشکیل یابد یا دو دولت یکی از آن هندو ها دیگری متعلق بمسلمانان ، تقسیم هندوستان بنظر گاندی بلیه بزرگی بشمار میرفت و در يك بار ضمن مذاکره اعضای کنگره با مأمورین بریتانیا چنین بنظر آمد که مشارالیه در موضوع تفکیک بقصد گرفتن آزادی سکوت اختیار کرده ابراز مخالفتی نمی نماید . اعضای کنگره عقیده داشتند که راه حل قضیه همان موافقت با تفکیک است لذا گاندی خود را کنار کشید تا اعضای جوان کنگره تصمیم لازم بگیرند و در عین حال او معتقد بود تقسیم کشور بدو ناحیه عملی ناصواب است ولی باز عقیده داشت که اصلح اینست که موضوع بدست جوانها حل و فصل شود .

پس از خروج قوای انگلیس از هندوستان جنگ و جدالهای داخلی که اساس و ریشه آن اختلاف مذهبی بود از نو شروع شد و کشتارهای خونینی بوقوع پیوست ، گاندی در آخر عمر از يك ناحیه بناحیه دیگر میرفت تا با هند و اندرز مردم را بآرامش و سکون دعوت نماید . نصایح او و اقدامات متابعین وی در بعضی نقاط آشوب خیز و مفسوش بنگاله مؤثر واقع شد ولی چون بهیچ وسیله نتوانست آتش

شورش و غوغا را در کلکته فرو نشاند لذا بگرفتن روزه مبادرت ورزید و از اکل و شرب هر چیزی جز آب خود داری نمود تا پس از سه روز چون اوضاع رو به بهبود گذاشت او نیز روزه خود را شکست.

در اریل ژانویه ۱۹۴۸ بر اثر زرد و خورد مسلمان و هندوهای دهلی باز پنج روز روزه گرفت و مبادرت وی باین اقدام تأثیر اخلاقی فوق العاده‌ای در جامعه هندوها بخشید، بعلاوه این اقدام او بی نهایت بنفع اقلیت های مسلمان محل تمام شد، دو هفته بعد از این قضیه بود که پیشوای هند در حین انجام مناسک مذهبی بر اثر گلوله زندگی را بدرود گفت.



چون از قضیه قتل گاندی عامه آزادیخواهان جهان متأثر و اندوهناک شده اند مترجم بی مناسبت ندانست که شعر معروف عرفی را خیر الختام این سطور قرار دهد:

چنان بانیک و بد خوکن که بعد از مردنت عرفی  
مسلمات بزمزم شوید و هندو بسوزاند

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### قطع نسل اهل کرم

دوستی در سر کتابی داشت	پیش من صفحه‌ای از آن میخواند
که فلان شخص در فلان تاریخ	یکی بیت بدیهه‌ها بفشاند
وان دگر پادشاه بیک نکته	فاضلی را فراز تخت نشاند
گفتم اینخواجه تر هاست این	این سخن بر زبان نباید راند
مگر آن قوم عادیان بودند	که خود از نسلشان یکی بنماند؟
	جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی